

سردبیر رسانه عاشورا؛ حضرت زینب کبرا علیها السلام

محمد جواد محسن زاده*

چکیده

تاریخ اسلام سرشار از قیام‌های مردمی و آزادی‌خواهانه است. سرآمد این حرکت‌های اصلاح‌طلبانه و حق‌طلبانه، قیام امام حسین علیه السلام در برابر حکومت یزید است که به ظاهر به کشته شدن سیدالشهدا علیه السلام و یارانش و اسارت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله انجامید؛ ولی در واقع این خون بود که بر شمشیر پیروز شد و یزید و یزیدیان در همیشه تاریخ رسوا شدند. مهم‌ترین عامل در رساندن پیام سرخ عاشورا به نسل‌های بعد، رفتار سنجیده عقیده‌بنی‌هاشم بود. هم‌و که در عصر روز عاشورا نخستین عزاداری را برای برادرش کرد و حتی در مرکز حکومت اموی مجالس سوگواری برگزار می‌کرد و در این مجالس به روشنگری در برابر حکومت یزید و اثبات حقانیت قیام سیدالشهدا علیه السلام می‌پرداخت.

در تاریخ اسلام، منبر و مسجد همواره همچون رسانه‌ای مردمی در تحولات سیاسی و اجتماعی نقش آفرین بوده است. زینب کبری علیها السلام نیز از این رسانه سنتی بهره برد و همچون سردبیر رسانه عاشورا، اطلاع‌رسانی اهل بیت: از این قیام سرخ را مدیریت کرد و به گسترش آرمان‌ها و ابعاد گوناگون آن پرداخت. این مقاله با اشاره به رویدادهای پس از عاشورا، زینب کبری علیها السلام را سردبیر رسانه عاشورا معرفی می‌کند که پررنگ‌ترین نقش را در رساندن پیام سرخ عاشورا به نسل‌های بعد داشت.

واژگان کلیدی: زینب کبری علیها السلام، عاشورا، رسانه، سردبیر، پیام.

* دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مدرس

دانشگاه و محقق. Mj.Mohsenzadeh@gmail.com

مقدمه

در تاریخ اسلام بانویی به بزرگی و عظمت «زینب کبری^{علیها السلام}» کمتر می‌توان یافت. بانوی قهرمان تاریخ اسلام که پس از مادرش حضرت فاطمه زهرا^{علیها السلام} و جداهش حضرت خدیجه کبری^{علیها السلام} قهرمان تاریخ اسلام است که در دفاع از آیین، دین و مذهب، نام خود را بر تارک تاریخ ثبت کرد و نشان داد که با معرفت والای خود در شناخت وظیفه، عقیده استوار انجام تکالیف و مواضع هوشمندانه در اجرای وظیفه، با پایداری، صلابت و شهامت، به عنوان سردبیر رسانه عاشورا، فرهنگ، مفاهیم و پیام عاشورا را، به عنوان یک مکتب، از دهم محرم سال ۶۱ قمری از کربلا به طول اعصار تاریخ انتقال داده و ماندگار کند.

قادر طهماسبی به زیبایی هر چه تمام رسالت حضرت زینب کبری^{علیها السلام} را در انتقال اهداف قیام عاشورا به طول تاریخ و گستره جهان برای همه آزادی خواهان و خردمندان صاحب فکر به تصویر کشیده است:

سر نی در نینوا می ماند اگر زینب نبود	کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود
چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ	پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود
در عبور بستر تاریخ، سیل انقلاب	پشت کوه فتنه جا می ماند اگر زینب نبود

«رسانه» به معنای وسیله رساندن، به هر وسیله‌ای گفته می‌شود که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم برساند.

در تعریف «سردبیر» آورده اند: «فردی آگاه و خبره که بر تمام امور روزنامه نگاری آگاهی و اشراف دارد و با یاری گرفتن از علم مدیریت، بهترین و بیشترین بهره را از عوامل خبری خود می‌گیرد» (بدیعی و قندی، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

در عصری که عصر اطلاعات، رسانه و روایت‌ها نام گرفته است، راویان برای بازنمایی واقعیات می‌کوشند، و هر روایت و خبری بتواند بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد، می‌تواند

توجه مردم را به سمت خود جلب کند و در نتیجه، رفتار آنها را بر اساس اهداف خویش شکل دهد.

در این مقاله به بررسی جنبه‌های خبری و نحوه پوشش‌های رسانه‌ای قیام عاشورا توسط قافله‌سالار کاروان خورشید، عقیده بنی‌هاشم، حضرت زینب کبری علیها السلام، سردبیر این رسانه، می‌پردازیم.

رسانه در اسلام

برخی، رسانه‌ها را پدیده‌ای مربوط به دوران مدرن زندگی بشر می‌دانند که بر فناوری و تکنولوژی ارتباطی از جمله ظهور رسانه‌های همگانی نظیر چاپ، الکترونیک و شبکه‌های ارتباطی اجتماعی مبتنی است.

در دوران قبل از ظهور رسانه‌های ارتباطی نوین، رسانه‌هایی وجود داشت که همان کارکرد رسانه‌ها، از جمله آموزش، اطلاع‌رسانی، خبردهی، تبلیغ، ارشاد، سرگرمی و انتقال پیام، ترغیب، تشویق، اقناع و متقاعدسازی مخاطبان را به عهده داشت.

مسجد و منبر از جمله رسانه‌های سنتی است که در طول تاریخ اسلام در تحولات سیاسی و اجتماعی و بسیج اجتماعی نقش آفرین بوده است. اهمیت و اعتبار مسجد برای حکومت، در منبر تجسم می‌یافت و مسجد و مصال‌های اقامه نماز جمعه و جماعات به طور عام، و منبر به طور خاص، محلی برای ارائه و تبیین اعلان‌های رسمی و تحلیل مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی روز بود.

اهمیت نماز جمعه در اسلام به قدری است که مراجع دینی، خواندن نماز ظهر برای نمازگزاران را اختیاری دانسته و دو خطبه و دو رکعت نماز جمعه اقامه شده توسط خطیب و امام جمعه را جایگزین نماز ظهر و کافی می‌دانند.

قرآن رسانه اسلام

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین رسانه‌ها در دین مبین اسلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ابلاغ پیام الهی در روزگاری که سخنوری، شاعری، فصاحت و بلاغت مهم‌ترین وسیله هنری و ارتباطی بود، با استفاده از ظرفیت‌های بیانی و شیوه‌های هنری، پیام الهی و معجزه خود را با استفاده از همه وسایل ارتباطی مهم آن روزگار، همچون مسجد، اذان، خطبه، نامه، ارتباطات چهره به چهره، مناسک عبادی - سیاسی حج، نماز جمعه، و نماز اعیاد اسلامی، در اختیار انسان‌ها قرار داد.

استفاده از انواع مثل‌ها، داستان‌ها و بیان تاریخ گذشتگان در قرآن کریم، که هدف اصلی آن، دعوت انسان‌ها به سوی خداست، نشان‌دهنده بهره‌گیری از ابزارهای مناسب، و در صورت لزوم، تغییر کاربری آنها برای انتقال پیام الهی در قرآن کریم است.

برخی از ویژگی‌های قرآن کریم عبارت‌اند از: جامعیت قرآن، اختصار، کتاب اندیشه و عمل بودن، پیوستگی مطالب، جهانی بودن، جاذبه داشتن، فصاحت و بلاغت و اظهار عجز انسان‌ها در برابر بلاغت و فصاحت قرآن، هنر الفاظ، ترکیب الفاظ، آهنگ کلمات و آیات، تازگی، نفوذ آیات، تنوع در مطالب، عدم تناقض در آیات، نامحدود بودن معارف قرآن، نظام شگفت‌انگیز حروف و وسعت معانی، رعایت تناسب، نمادهای قرآن، سهل و ممتنع بودن، برخورد غیر مستقیم، پیراستگی از عیب‌ها، جهانی بودن زبان قرآن و زیبایی ظاهر و عمق معنا.

رسانه شیعه

سرآمد همه قیام‌ها، حرکت‌ها، افکار، برپایی قیام‌های انقلابی، حکومتی و تشکیلات سیاسی همچون قیام مختار، ابومسلم خراسانی، علویان در مازندران، صفویه و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران همچنین زیارات مأثوره، به عاشورا و کربلا ختم می‌شود.

دسته‌های عزاداری، آیین‌ها و مجالس سوگواری مذهبی، «رسانه شیعه» برای معرفی و علل

قیام عاشورایند. هیئت‌ها، رسانه مستمر شیعه از ابتدا تاکنون بوده‌اند.

قدیمی‌ترین انجمن شناخته شده در دنیا، هیئت مذهبی اند که خود، رسانه چهره به چهره شیعیان‌اند و نخستین بار حضرت زینب علیها السلام آن را راه‌اندازی کرد. غرب نیز به تقلید از مسلمانان، انجمن‌هایی را به راه انداخته است. در کشور ژاپن کلپ گریه تأسیس کرده‌اند و اعتقاد دارند که گریه امری طبیعی است که باعث کاهش فشار خون و ثابت شدن تحریرک دستگاه ایمنی می‌شود و انسان را از فشارهای روحی و روانی نجات می‌دهد و به آرامش و احساسی می‌سازند و او را شاد می‌شود (اقتباس از: محسن زاده، ۱۳۸۵، ص ۸).

قدمت گریه بر حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به حضرت آدم علیه السلام ابوالبشر می‌رسد. در عمومیت این امر باید گفت که همه مخلوقات خداوند، اعم از انبیا، ملائکه، افلاک، انس، جن، جمادات، عناصر، معادن، نباتات، حیوانات، آفتاب، ماه و... از این عالم، بلکه از سایر عوالم، حتی قبل از به دنیا آمدن آن امام همام، اشک ریختند؛ چنان که در اعمال سوم شعبان، روز میلاد امام حسین علیه السلام از امام حسن عسکری علیه السلام چنین روایت شده است:

بَكَتَهُ السَّمَاءُ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَأُ لَابَتَيْهَا قَتِيلَ الْعَبْرَةِ (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۸، ص ۳۴۷).

آسمان و زمین و آنچه در آنجاست بر آن جناب اشک ریختند و حال آنکه هنوز به دنیا قدم نهاده بود؛ چراکه وی کشته شده اشک هاست.»

به روایت سید بن طاووس در لهوف، نخستین مجالس عزا پس از واقعه عاشورا، عصر همان روز و پس از پایان یافتن نبرد، از سوی زنان شهدا و اهل بیت، بر سر اجساد شهدا برگزار کردند. زنان اهل بیت عزاداری بعدی را فردای عاشورا و پس از آنکه لشکریان عمر سعد خیمه‌ها را به آتش کشیدند، برگزار کردند: «فَلَمَّا نَظَرَ النَّسْوَةُ إِلَى الْقَتِيلِ، صَحَنَ وَضَرَبْنَ وَجُوهُنَّ»؛ «هنگامی که چشم بانوان بر اجساد شهیدان افتاد، فریاد کشیدند و بر صورت هایشان سبلی زدند». زینب کبری علیها السلام هم بر سر اجساد مطهر شهیدان حاضر شد و به نوحه و مرثیه خوانی پرداخت؛

نوحه خوانی ای که دوست و دشمن را به گریه در آورد (حسام مظاهری، ۱۳۸۹، ص ۱۷).
در روایات نورانی معصومین علیهم السلام، به گریه برای آن حضرت تشویق شده و ثواب‌های فراوانی برای آن ذکر شده است.

عزاداری در دوران زندگی امامان شیعه وجود داشته و در روایات و احادیث فراوانی شیعیان به عزاداری و گریستن بر مصائب اهل بیت علیهم السلام و سرودن شعر در منقبت آنان تشویق شده و ثواب‌ها و نتایج دنیوی و اخروی فراوانی برای گریستن و عزاداری بر امام حسین علیه السلام ذکر شده است.

از مرثیه‌سرایان شاخص معاصر امامان شیعه می‌توان به حسان، فرزدق، کمیت اسدی، سید حمیری، جعفر بن عفان طائی، دعبل خزائی و ابن سکیت اشاره کرد.

مراسم عزاداری اهل بیت در ایران در دوران مختلف به ویژه از قرون سوم، چهارم و پنجم، همزمان با تشکیل دولت‌های شیعی آل بویه در عراق، و حمدانیون در سوریه، و فاطمیون در مصر، با گسترش مذهب شیعه، توسعه یافت.

عاشورا مکتب، پیام و رسانه است

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و انحراف سقیفه، جامعه اسلامی تقسیم شد و عثمانیان در بصره و شام، علویان در کوفه و خوارج در مدینه، حکومت و جامعه نوپای اسلامی را از مسیر خود منحرف ساختند.

سیر تاریخی قیام عاشورا را می‌توان به دو بخش قبل از عاشورا و پس از آن تقسیم کرد:

(الف) از آغاز قیام کربلا تا شهادت همه مردان کربلا در روز عاشورا؛

(ب) بعد از عاشورا؛ انتقال شهر به شهر پیام از کربلا تا شام، و از شام تا مدینه.

عاشورا مکتب انسان‌سازی است و پیام آن مقابله اسلام با کفر، نفی نژادپرستی و قوم‌پرستی،

و مقاومت در برابر دشمن است.

یکی از مهم ترین مستندات آنست که می توان در بررسی اهداف قیام امام حسین علیه السلام به آن مراجعه کرد، وصیتنامه آن حضرت است. در روایت آمده که امام حسین علیه السلام هنگامی که می خواستند از مدینه منوره به سوی مکه حرکت کنند، وصیت نامه ای نوشته و آن را به مهر خود ممهور، و سپس آن را به برادر خود محمد بن حنفیه تسلیم کرد. بخشی از وصیت نامه مذکور چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. هَذَا مَا أَوْصِي بِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى أَخِيهِ مُحَمَّدٍ
الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الْحَنْفِيَّةِ إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ
الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ،
وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَسِيرَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَإِنَّهُ
أَوْلَى بِالْحَقِّ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ (قمی: ۱۳۸۹،
ص ۴۵)

... این وصیت حسین بن علی بن ابی طالب است به برادرش محمد بن حنفیه: ...
من خروج (قیام) نکردم از برای هوس رانی و نه از برای استکبار و خودخواهی و
سرکشی، و نه از برای فساد و خرابی و نه از برای ظلم و ستم و بیدادگری. بلکه خروج
(قیام) من برای اصلاح امت جدم محمد صلی الله علیه و آله است. من می خواهم امر به معروف و نهی
از منکر کنم و به سیره و سنت جدم و آیین و روش پدرم علی بن ابی طالب رفتار
کنم. پس هر که مرا بپذیرد و قبول کند، پس خداوند سزاوارتر است به حق، و هر که
مرا در این امر رد کند، پس من صبر و شکیبایی پیشه می گیرم تا آنکه خداوند میان
من و میان این جماعت حکم به حق فرماید....

چنان که می بینیم حضرت در این وصیت نامه هدف خود را از قیام علیه بنی امیه؛ امر به
معروف و نهی از منکر و پیروی از سیره پیامبر و علی علیه السلام عنوان می دارد، ضمن اینکه اصلاح

امور امت اسلامی نیز نخستین مبحثی است که حضرت در این وصیت‌نامه مطرح کرده است. رسانه‌ها به عنوان هدایتگران افکار عمومی، بهترین ابزار برای ترویج معروفات و ریشه‌کن کردن منکرات هستند. حضرت زینب کبری علیها السلام نخستین سردبیر رسانه عاشورا بود که اهداف قیام کربلا، فرهنگ اسلامی و انقلابی عاشورا و آرمان‌های شهدا را بسط و اشاعه داد.

پیام‌رسان عاشورا

عقیله بنی‌هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام پیام‌رسان حرکت عاشورا در طول تاریخ، سردبیر رسانه و مبلغ مکتب نهضت حسینی است که با سخنرانی‌های نغز و ارائه خطبه‌های پرمحتوا باعث انتقال و ماندگاری مفاهیم عاشورا شد.

عاشورا از منابع اصیل فرهنگ ماست و فرهنگ ما با عاشورا گره خورده و بقا، ماندگاری و ترویج پیام عاشورا مرهون تلاش عالمان و هنرمندان است. این حادثه در یک روز اتفاق افتاده است، اما اوج شکوه، عشق، فداکاری و گذشت را در این اتفاق شاهد هستیم.

دو قشر هنرمندان و عالمان، نقش تاریخی خود را به عنوان منبع فرهنگ‌سازی ایفا کردند و عالمان با موشکافی و دقت عالمانه و تفحص‌های تاریخی، زوایا و جایگاه عاشورا را مدون کرده و در فضای علم و دانش عرضه کردند.

کار هنرمندان برای بقا و ماندگاری و انتقال پیام عاشورا بسیار تأثیرگذار بود؛ زیرا آنان با درک و احساس، یک واقعه و زمانه را با اثر هنری خود ماندگار می‌کنند.

هنرمند با ساختن معنا و مفهوم، هنر خود را در قالب اثری ماندگار عرضه می‌کند. نقش هنرمندان در قالب ادبیات، شعر، نگارگری، تصویر و دیگر هنرها، توده‌ای کردن، گسترش و انتقال دادن پیام‌های عاشورایی و معانی بلند نهفته در آن است.

فرهنگ دارای چهار سطح باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و وجه زیبایی‌شناختی، رفتارها، و

نمادهاست و هنرمندان عاشورایی که با هنر خود به عاشورا پرداخته‌اند، در حقیقت به سطح و لایه دوم فرهنگ پرداخته‌اند.

هنرمندانی که سعی کردند زیبایی‌های واقعه عاشورا را ببینند و رفتار تک تک شخصیت‌های عاشورا را زیبایی ببخشند و احساسات تعالی جویانه را ببینند و آنها را منتقل کنند، اعلام می‌کنند که ما عاشورایی هستیم.

نخستین زیباشناس و هنرمند عاشورایی، زینب کبری (علیها السلام) بود که در مواجهه با حماسه عاشورای حسینی در صحنه کربلا - که به ظاهر جز کشته شدن، اسارت و بدبختی چیزی نداشت - در جواب ابن زیاد، حاکم کوفه، که سرمست قدرت و پیروزی پوشالی و ظاهری خود بود و به طعنه به وی گفت: «کار خدا را با برادرت چگونه دیدی؟»، یکی از ماندگارترین جملات را با فریاد حیدرگونه فرمودند: «ما رَأَيْتُ الْأَجْمِيَاءُ؟» «چیزی جز زیبایی ندیدم» و خط بطلانی بر القانات شیطانی ابن زیاد کشید و خواب دشمنان را پریشان کرد و اینجاست که مفهوم پیروزی خون بر شمشیر را می‌توان درک کرد. (طبرسی: ۱۳۸۳ ش، ص ۴۰۵)

مدیریت پوشش خبری

پوشش خبری مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که روی خبر صورت می‌گیرد تا ارزش و جایگاه آن از وضعیت واقعی آن بالاتر یا پایین‌تر مطرح، و ارزش آن خبر در مجاورت مطالب دیگر کمتر یا بیشتر یا صفر شود (نصر اللهی، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

در حقیقت پوشش خبری، پیچیده‌ترین و جنجالی‌ترین کار رسانه‌هاست؛ چراکه موجب نحوه نگرش و برداشت مردم از رویدادهای جهانی و تاریخی و حساسیت و موضع‌گیری آنها می‌شود.

برای پوشش اخبار و تبلیغات در رسانه‌ها، تاکتیک، عناصر، شیوه، استراتژی و روش‌های متعددی وجود دارد. از جمله این تاکتیک‌ها که برای تأثیرگذاری بر مخاطب و اقناع او به کار

می‌رود، می‌توان به این تکنیک‌های لفظی و معنوی اشاره کرد: واقع‌نمایی؛ رعایت انصاف؛ اختصاصی‌سازی؛ گزینش‌گری؛ تقدم و تأخر؛ برگشت به گذشته؛ ایجاد حساسیت؛ نقل قول؛ ذکر یا عدم ذکر منبع؛ واکنش؛ القاء بی‌طرفی؛ مدیریت واژه‌ها، جملات و موضوعات؛ بمباران خبری؛ برجسته‌سازی؛ شایعه؛ سانسور؛ تحریف یا جلوگیری از تحریف؛ سکوت و انکار؛ بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی؛ استفاده از شعر، مثل، ذکر مصیبت، مرثیه، هجو، تصویر یا گرافیک خبری؛ مدیریت انتشار جرایم مجرمان و متهمان؛ مدیریت تکرار و ارائه جامع، کاربردی و مصداقی اخبار و وقایع در زمان مشخص؛ ارائه رویکرد کمی و کیفی؛ ارائه رویکرد رویدادمدار و فرایندمدار؛ مدیریت؛ تمرکز بر اطلاع‌رسانی صرف یا تحلیل و نگاه انتقادی؛ میزان پرداخت به علل و مدیریت بازتاب‌ها.

تحلیل تکنیک‌های رسانه‌ای عقیده بنی‌هاشم

اطلاعات، سلاحی راهبردی و سیاسی است و جنگ روایت‌ها باید حاوی درک مناسب و صحیح از دشمن و برادراک پیرامون تأثیرگذار باشد. درک و انتقال مفاهیم و برداشت رویدادهای رخ داده و تفسیر مناسب موجب پوشش گسترده و پذیرش مخاطبان خاص و عام می‌شود. در ذیل به صورت گذرا به وقایع تاریخی و نحوه برخورد حضرت زینب کبری علیها السلام می‌پردازیم.

بانوی قهرمان کربلا در شب عاشورا

شب عاشورا از سخت‌ترین شب‌هایی بود که بر حضرت زینب علیها السلام گذشت؛ چون می‌دانست در روز عاشورا برای برادرش، امام حسین علیه السلام، و یاران آن حضرت چه اتفاقی خواهد افتاد و در پی شهادت آن حضرت برای او و دیگر بانوان قافله چه پیش خواهد آمد. شب عاشورا امام سجاد علیه السلام بیمار بود و حضرت زینب کبری علیها السلام از ایشان پرستاری می‌کرد. آن شب امام حسین علیه السلام به بانوی قهرمان کربلا فرمود: «پس از شهادت من از خدا پروا کن و آن گونه که او خواسته است با صبر بر مصیبت خود را تسکین ده». (یوسفی غروی: ۱۳۷۵، ۲۰۰)

حضرت زینب علیها السلام و کاروان عازم کوفه

پس از وقایع روز دهم محرم، عمر سعد تا روز یازدهم محرم در صحرای کربلا باقی ماند؛ سپس لشکر را به سوی کوفه حرکت داد. او دستور داد کاروان دختران، خواهران و کودکان امام حسین علیها السلام و امام سجاد علیها السلام را با لشکر همراه سازند.

هنگامی که حضرت زینب علیها السلام پیکر بی جان برادرش امام حسین علیها السلام را مشاهده کرد که دفن نشده است، فریاد زد:

يَا مُحَمَّدَاهُ! يَا مُحَمَّدَاهُ! صَلِّيْ عَلَيْكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ هَذَا الْحُسَيْنُ بِالْعَرَاءِ، مُرْمَلٌ بِالِدَّمَاءِ، مُقَطَّعُ الْأَعْضَاءِ، يَا مُحَمَّدَاهُ، وَبَنَاتِكَ سَبَايَا وَذُرِّيَّتِكَ مَقْتَلَةٌ تَسْفِي عَلَيْهِمْ رِيحُ الصَّبَا (سید ابن طاووس: ۱۳۸۱ش، ص ۴۸)

ای محمد، ای محمد! درود فرشتگان آسمان بر تو باد! این حسین توست که بر صحرا افتاده است، در حالی که به خون خود آغشته و اعضای بدنش قطعه قطعه شده است. ای محمد، دخترانت به اسارت گرفته شده‌اند و ذریه‌ات کشته شده‌اند و باد صبا بر بدن‌های برهنه و نازنین آنان می‌وزد.

در این صحنه حضرت زینب علیها السلام با واقع‌نمایی، اختصاصی‌سازی، ایجاد حساسیت و واکنش به وقایع اتفاق افتاده، دوست و دشمن را متوجه مصائب اهل بیت علیهم السلام و ظلم‌هایی کرد که بر ایشان رفته بود.

خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه

حذلم بن بشیر نقل کرده است: در محرم سال ۶۱ قمری به کوفه رفتیم. هنگام ورود علی بن الحسین علیها السلام و اهل بیت و فرزندان امام حسین علیها السلام از کربلا به آن شهر بود. در حالی که لشکریان، آنان را احاطه کرده بودند، مردم برای تماشای آنان از منازل خود خارج شدند. ایشان را روی شتران بدون جهاز سوار کرده بودند و زنان اهل کوفه گریه و ناله می‌کردند.

زینب علیها السلام خطبه‌ای ایراد فرمود؛ گویا که از زبان علی علیه السلام سخن می‌گوید:

... ای اهل کوفه، ای مردم مکارِ خیانت‌کار، آیا بر ما می‌گریید و ناله سر می‌دهید؟ هرگز دیده‌هاتان از اشک تهی مباد. هرگز ناله‌هاتان از سینه بریده نگردد. مثل شما مثل آن زنی است که رشته خود را محکم می‌تابید و باز می‌گشود؛ چرا که شما نیز رشته ایمان را بستید و سپس گسستید و به کفر برگشتید. شما چه دارید جز لاف و غرور و دشمنی و دروغ؟ در دیدارها خوش‌زمامید، اما در مقابل دشمنان ناتوان. عهد خود را شکستید و پیمان را وانهادید. برای آخرت خود، چه بد توشه‌ای اندوخته و از پیش فرستاده‌اید تا خدای را به خشم آورید و عذاب جاودانه او را به نام خود رقم زنید... وای بر شما. آیا می‌دانید که چه جگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شکافتید؟ چه خونی از او ریختید و چه پرده حرمتی را دریدید؟... پس بدین مهلت که یافتید خوشدل و مغرور نباشید؛ چه، خداوند به مکافات عمل عجله نکند و بیم ندارد که هنگام انتقام بگذرد و طولانی شود و او در کمینگاه ما و شماست».

من دیدم مردم حیران شده‌اند و دست‌های خود را با دندان می‌گزند. پیرمردی را دیدم که اشک، محاسنش را تر کرده بود. وی می‌گفت: «پیرانشان بهترین پیران‌اند و نسلشان بهترین نسل‌ها و هیچ‌گاه خوار و هلاک نمی‌شوند».

هنگامی که می‌خواستند حرم و اهل بیت امام علیه السلام را وارد دارالاماره عبیدالله بن زیاد کنند، حضرت زینب علیها السلام لباس‌های کهنه و بی‌ارزش خود را پوشید تا ناشناس بماند و به کنیزان و خدمتکارانش دستور داد که دورتادور او بنشینند تا به صورت گمنام، میان ایشان بنشینند. ولی امیر اموی که می‌خواست او را رسوا و نامش را فاش کند، سه بار پرسید این ناشناس کیست؟ یکی از کنیزان حضرت زینب علیها السلام از جا برخاست و گفت: «این، زینب، دختر فاطمه علیها السلام است».

وقتی ابن زیاد او را شناخت گفت: «الحمد لله الذي فضحككم و قتلکم و أكذب أحدوئکم»؛

«سپاس خدایی را که شما را کشت و رسوا کرد و نشان داد که حرف‌هایتان دروغی بیش نبوده است».

حضرت زینب علیها السلام پاسخ داد:

الحمد لله الذي أكرمنا بنبيه محمد صلى الله عليه وآله وطهرنا من الرجس تطهيرا، وإنما يفتضح الفاسق
ويكذب الفاجر وهو غيرنا والحمد لله.

سپاس خدایی را که ما را به پیامبرش محمد صلى الله عليه وآله کرامت داد و از پلیدی‌ها پاک گردانید. همانا فاسق، رسوا شد و فاجر، دروغ می‌گوید و آن، ما نیستیم.

ابن زیاد گفت: «کار خدا را با برادر و اهل بیت خود چگونه دیدی؟» حضرت زینب علیها السلام

پاسخ داد:

آنان گروهی بودند که خداوند شهادت را برایشان مقدر فرموده بود. پس به سوی آرامگاهشان شتافتند. به زودی خداوند میان تو و آنان جمع خواهد کرد و آنان با تو مخامصمه و احتجاج خواهند نمود.

ابن زیاد عصبانی شد و گفت: «خداوند دل مرا از جانب خاندان طغیانگر و سرکش تو شفا داد و آسود».

زینب علیها السلام پاسخ فرمود: «به جانم سوگند، بزرگ خاندانم را کشتی؛ شاخه‌هایم را بریدی و ریشه‌ام را برکندی. اگر این شفای توست، پس شفا یافتی» (همان، ص ۵۶).

حضرت زینب علیها السلام در این مجلس با نام خدا و متصل به وحی الهی، بر پایه حق، به صورت روشنگرانه، با هشدار و موعظه، صریح و قاطع، مناسب با مقتضای حال، با واقع‌نمایی و جدایی حق از باطل، حساب‌شده و سنجیده، بدون ادای احترام به ابن زیاد، با برجسته‌سازی کمالات، برگشت به گذشته و ذکر مناقب اهل بیت پیامبر صلى الله عليه وآله؛ باعث عصبانیت ابن زیاد و شکستن اقتدار او و جلوگیری از سوء استفاده وی از واقعه عاشورا شد.

حضرت زینب علیها السلام در شام و مجلس یزید

هنگامی که خاندان نبوت به شام رسیدند، یزید بزرگان شام را دعوت کرد و با حضور آنان، جلسه‌ای عمومی ترتیب داد. سپس دستور داد کاروان را وارد قصر کنند. اسیران کربلا وارد قصر شدند و آنان را - در حالی که مردم به آنان می‌نگریستند - به شکلی ناپسند، مقابل یزید نشانند.

مردی از بزرگان شام که گمان می‌کرد آنان کنیز و خدامتکار هستند و بنابراین می‌تواند از یزید درخواست کند که هر کدام را دوست دارد به او ببخشد، برخاست و خطاب به یزید گفت: «ای امیر مؤمنان، اشاره کرد به دختر کوچکی به نام فاطمه که در بین دختران امام حسین علیه السلام بود و گفت) این کنیز را به من ببخش».

از این بانوی کوچک (فاطمه) نقل شده است: گمان کردم که این کار ممکن است. بنابراین ترسیدم و بر خود لرزیدم و لباس عمه‌ام، زینب علیها السلام، را گرفتم. ولی او می‌دانست که آنان حق این کار را ندارند و به مرد شامی گفت: «به خدا قسم دروغ گفתי؛ نه تو و نه یزید هیچ کدام چنین حقی ندارید». یزید در این هنگام از سخن حضرت زینب علیها السلام خشمگین شد و گفت: «به خدا قسم تو دروغ گفتی من چنین حقی دارم و چنانچه بخواهم این کار را انجام می‌دهم». زینب علیها السلام فرمود: «به خدا قسم که این گونه نیست! خداوند چنین حقی بر تو قرار نداده است؛ مگر آنکه از دین ما خارج شوی و آیین دیگری به جز آن اختیار کنی».

یزید به شدت خشمگین شد و گفت: «آیا تو با من این گونه سخن می‌گویی؟ پدر و برادر تو بودند که از دین خارج شدند». زینب علیها السلام پاسخ داد: «تو و پدر تو و جد تو، همگی با دین خدا و دین پدرم و برادرم و جدم هدایت یافته‌اید». یزید گفت: «ای دشمن خدا، دروغ گفتی». حضرت زینب علیها السلام فرمود: «تو امیر هستی و بر ما چیره شده‌ای و ظالمانه ناسزا می‌گویی و به خاطر قدرتت زور می‌گویی». در این هنگام، یزید ساکت شد (همان، ص ۶۰).

خوارزمی به سند خود از مردی از بنی تمیم کوفی روایت کرده است که سر مطهر امام حسین علیه السلام مقابل یزید، داخل تشستی گذارده شده بود. یزید چوبی به دست داشت و با آن به دندان‌های سر مطهر می‌زد و می‌گفت: «کاش بزرگان بنی امیه، که در جنگ بدر کشته شدند، حاضر بودند و می‌دیدند که من چگونه انتقام ایشان را از فرزندان قاتلانشان گرفتم...». در این هنگام زینب علیها السلام برخاست و خطبه غزایی ایراد فرمود:

... اندکی آهسته‌تر. آیا کلام خدای تعالی را فراموش کرده‌ای که فرمود: «گمان نکنید آنان که به راه کفر رفتند مهلتی که به آنان دهیم، به حال آنان بهتر خواهد بود؛ بلکه برای امتحان مهلت می‌دهیم تا بر سر کشی بیفزایند و آنان را عذابی است خوار و ذلیل کننده».

ای پسر آزاد شده جد بزرگ ما! آیا از عدل است که تو زنان و کنیزان خود را در پرده بنشانی و اهل حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسیر کرده، از شهری به شهر دیگر ببری؟ چگونه می‌توان به دلسوزی کسی امید بست که مادرش، جگر پاکان را جویده و گوشتش از خون شهیدان روییده! و چگونه در کینه و دشمنی خود با اهل بیت کوتاهی کند، آن کسی که همیشه به ما از روی بغض و نفرت می‌نگرد و خاطره‌های دور زندگی‌اش، او را به انتقام و کینه وا می‌دارد؟! دیری نگذرد که تو هم به گذشتگان خود ملحق شوی و آرزو کنی که ای کاش دستت خشک شده بود و زبانت لال، و آن سخنان را بر زبان نمی‌آوردی و آن کار زشت را انجام نمی‌دادی.

بارالها، حق ما را بستان و انتقام ما را از اینان بگیر و بر این ستمکاران، که خون ما را ریخته‌اند، خشم و عذاب خود را فرو فرست... « (همان، ص ۶۷).

حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید با عدم احترام به او، خطبه‌ای غزا ایراد کرد که با داشتن خصوصیات همچون فصاحت و بلاغت، پرخاشگری، پاسخ کوبنده و شجاعانه، ذکر مناقب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و برگشت به گذشته که به مسلمان

شدن پدر و جد یزید به دست اهل بیت اشاره فرمود، باعث سکوت یزید، رسوایی بنی‌امیه و بیداری وجدان خفته مردم و جامعه خفقان‌زده شام شد که در ظلمت جهالت، از اسلام دور نگاه داشته شده بودند، و بر آنان تأثیر شگرفی گذاشت؛ به طوری که صدای گریه از زن و مرد و پیر و جوان و خردسال بلند شد.

این خطبه شناخت عمل یزید را آشکار ساخت و او را نه تنها در بزمی که آراسته بود، بلکه در برابر نمایندگان دیگر کشورها، مردم شام، زنان حرم سرای خویش و تاریخ بشریت شرمسار کرد. بدان سان که ناچار شد مسئولیت این فاجعه خون‌بار را بر دوش ابن زیاد بیندازد و او را نفرین کند و برای نخستین بار در تاریخ، سقاخانه‌ای برای سیراب کردن تشنگان درست کرد و روی آن نوشت: «لعنت بر ابن زیاد». شگفتا که گروهی کوردل این ادعای یزید را پذیرفتند! اما همان گونه که قاضی نعمان مغربی به نقل از غزالی گفته است: «تاریخ، حوادث پیش از عاشورا و روز عاشورا را چنان دقیق ذکر می‌کند که جای بهانه برای کسی باقی نمی‌ماند» (همان، ص ۶۷؛ ر.ک: شرح الاخبار، ج ۳، ص ۲۵۲).

بر اثر خطبه حضرت زینب علیها السلام به بانوان حرم حسینی اجازه نوحه و عزاداری داده شد و مجالس حسینی در مفر خلافت قاتل امام حسین علیه السلام آغاز گردید و خطبه‌های آتشین اهل حرم، از جمله ام کلثوم، فاطمه و امام سجاد علیه السلام بیش از پیش، پرده از سیاه‌کاری‌های یزید و یزیدیان برداشت، تا آنجا که حتی زنان خاندان ابوسفیان نیز بر کشته‌های نهضت حسینی گریستند و یزید مصلحت را در آن دید که خاندان اهل بیت را با احترام به مدینه رهسپار کند تا بیش از آن شاهد شعله‌ور شدن آتش زیر خاکستر جامعه نگردد (همان، ص ۶۹).

استاد شهید مرتضی مطهری، اثر این خطابه حضرت زینب علیها السلام و خطبه‌های دیگر آن بانوی مکرمه را چه زیبا و فیلسوفانه بیان کرده است:

هر جریان‌ی بالآخره به یک فلسفه‌ای برای پشتیبانی و حمایت احتیاج دارد. جنگ

تبلیغاتی آنجاست که فلسفه‌ها با هم می‌جنگند. اهل بیت پیامبر ﷺ یکی از آثار وجودیشان این بود که نگذاشتند فلسفه اقماعی دشمن پا بگیرد. کار دیگرشان این بود که از نزدیک، به وسیله خود دشمن، توانستند با مردم تماس بگیرند؛ در صورتی که قبلاً آحاد و افراد جرئت تماس نداشتند. زینب از تربیون دشمن استفاده کرد. استفاده از تربیون دشمن در حقیقت جنگ را تا خانه دشمن کشیدن است» (شهید مطهری: ۱۳۹۴ش، ص ۳۵۵).

حضرت زینب علیها السلام پس از واقعه عاشورا

پس از بازگشت کاروان اسرای کربلا به شهر مدینه، عبدالله بن جعفر، همسر حضرت زینب علیها السلام، از شهادت دو فرزندش «محمد» و «عون» در رکاب امام حسین علیه السلام آگاه شد و برای آنان مجلس سوگواری برپا کرد و گفت:

خداوند را بر [فیض] شهادت امام حسین علیه السلام شکر می‌گویم. اگر خود نتوانستم در رکاب آن حضرت باشم، دو فرزندم در خدمتش بودند. آنچه مرا در شهادت فرزندانم آرام می‌کند، این است که در رکاب برادرم و پسرعمویم شهید شده‌اند و او را یاری کرده‌اند و در مصیبت‌ها همراه و همدرد او بوده‌اند (یوسفی غروی: ۱۳۷۵ش، ص ۴۹)

عبیدلی اعرجی در کتاب **انساب آل ابي طالب** از طریق مصعب بن عبدالله نقل کرده است: عبدالله بن زبیر در مکه قیام کرد و مردم را به خونخواهی امام حسین علیه السلام فرا خواند و یزید را بر کنار شده از خلافت اعلام کرد. این خبر به شهر مدینه رسید و حضرت زینب خطبه‌ای ایراد فرمود و در آن مردم را به قیام برای خونخواهی دعوت کرد.

حاکم مدینه مطلع شد و نامه‌ای به یزید نوشت و مطلب را به اطلاع او رساند. در نامه وی به یزید چنین آمده است: «همانا که وجود او (زینب) در میان مردم مدینه اذهان را می‌آشوبد. او زنی سخنور و عاقل و خردمند است و عزم کرده تا با هوادارانش انتقام خون حسین علیه السلام را بگیرد».

یزید به او دستو داد که میان حضرت زینب علیها السلام و مردم مدینه جدایی اندازد. او نیز به آن حضرت اعلام کرد که از مدینه خارج شود و در هر جای دیگری که مایل است، زندگی کند. حضرت زینب علیها السلام به ناچار مدینه را در روزهای پایانی ذی حجه سال ۶۱ قمری - در حالی که هنوز سالگرد برادرش نرسیده بود - به همراه دو دخترش فاطمه و سکینه ترک کرد و بر طبق اختلاف نظر مورخان، به سوی شام یا مصر روانه شد و پس از یک سال در شامگاه پانزدهم رجب سال ۶۲ قمری به جوار حق شتافت (همان، ص ۷۲).

فضائل حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب، زینت پدر است و دارای فضائل و کمالاتی همچون علم الهی، عبادت و بندگی، عفت و پاکدامنی، ولایت‌مداری، صبر، ایثار و قدرت روحیه‌بخشی، شجاعت و شهامت، فصاحت و بلاغت می‌باشد.

امام حسین علیه السلام که خود معصوم و واسطه فیض الهی است، هنگام وداع در روز عاشورا به خواهر عابده‌اش می‌فرماید: «یا أختاه! لا تنسینی فی نافلة اللیل»؛ «خواهر جان، مرا در نماز شب فراموش مکن» (محلاتی: ۱۳۶۹، ۶۱). این نشان از آن دارد که این خواهر، به قله رفیع بندگی و پرستش راه یافته و به حکمت و هدف آفرینش دست یازیده است.

هیچ‌گاه در خشم، خود را با تندخویی خوار نکرد و هنگام غضب، کاری نکرد که از قدر و ارجش کاسته شود و هیچ اتفاقی، صبر و بردباری او را کم نکرد. در تیزبینی، تیزفهمی، پاکی نفس، لطافت حس، قدرت باطنی و ثبات اندیشه، نشانه‌ای از نشانه‌های الهی بود. در عالی‌ترین درجات شجاعت و عزت نفس و اقتدار بود.

تمامی موضع‌گیری‌های عقلیه‌خاندان وحی و نبوت، صبر و گذشت او را به نمایش می‌گذارد. او در فرهنگ آزادگی (اسارت) جایگاهی ارزشمند دارد که موجب افتخار اوست. اسارت زینب او را به قله‌های شرف و افتخار رساند و منزلتی بس والا نزد خداوند بدو بخشید.

بانوان حرم پیامبر را، که مردانشان به شهادت رسیده بودند، رهبری کرد و از یتیمان آل محمد، که پدرانشان شهید شده بودند، پاسداری نمود.

در راه حمایت از یادگار برادرش، امام زین العابدین علیه السلام، جان خود را به خطر افکند و هنگامی که ابن زیاد قصد کرد امام را به شهادت برساند، از دست درازی ابن زیاد به امام جلوگیری کرد و بدین وسیله سلسله امامت حفظ شد. وی در برابر سختی‌ها چونان کوهی استوار مقاومت کرد.

دروود و سلام خداوند بر او و بر پدر و مادر و برادر و جدا او و تمامی ائمه هدی علیهم السلام و سروران امت رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان که خود را در راه تربیت و امامت امت به سختی افکندند. سید مهدی شجاعی فرازی از تاریخ زندگانی حضرت زینب علیها السلام را چنین ترسیم کرده است:

زینب، فاطمه کربلاست و تجلی فاطمه علیها السلام در زینب، عاشوراست. در کربلا زینب، رسول فاطمه علیها السلام است. پیام فاطمه علیها السلام را می‌خواند و با هر جنازه‌ای که بر سر دست می‌گیرد، قطره‌ای از جام صبر فاطمه علیها السلام را مززه می‌کند.

در بارگاه یزید، زینب به تداعی خطبه مادر در مقابل دشمنان پدر خطبه می‌خواند. در کربلا زینب محبت مادر را در جان برادر می‌ریزد. زینب یادگار مادر را پاس می‌دارد.

در شام، فاطمه است که بر ترخم، زهرخند می‌زند و صدقه را خشم می‌کند و بر پای دشمنان برادر، زنجیر لعن می‌افکند و همچنان که جسارت را بر علی تحمل کرده بود، بر فرزندان خویش به جان می‌خرد (شجاعی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶).

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع و مأخذ

۱. بدیعی، نعیم و قندی، حسین (۱۳۹۱)، روزنامه‌نگاری نوین، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ هشتم.
۲. حسام مظاهری، محسن (۱۳۸۹)، تاریخ تحلیلی تأسیس، تکوین و استمرار آئین‌ها و مجالس سوگواری مذهبی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ سوم.
۳. خوارزمی (۱۳۷۷)، مقتل‌الحسین، قم: انوار الهدی، چاپ دوم.
۴. سید علی بن موسی ابن طاووس (۱۳۹۵)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تحقیق تبریزیان حسون؛ برگردان ابوالحسن میرابوطالبی حسینی، تهران: دلیل ما، ۱۳۸۱، چاپ پنجم.
۵. قاضی نعمان تمیمی مغربی (۱۳۶۸)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، مترجم: محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ج ۳.
۶. قمی، شیخ عباس (۱۳۸۹)، نفس‌المهموم، قم: دلیل ما، چاپ دوم.
۷. فضل بن احمد طبرسی (۱۳۸۳)، الاحتجاج، قم: دارالاسوه، چاپ سوم.
۸. لوط بن یحیی ابومنخنف (۱۳۷۵)، وقعة الطف، ترجمه: محمدهادی یوسفی غروی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ سوم.
۹. محلاتی، ذبیح‌الله (۱۳۹۲)، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، چاپ اول.
۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، بحار الانوار، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۱. مفید (شیخ) (۱۳۸۵)، ارشاد، قم: نشر اسلامی، ج ۲.
۱۲. مطهری (استاد شهید)، مرتضی (۱۳۹۴)، حماسه حسینی، تهران: صدرا، چاپ چهارم.
۱۳. نصراللهی، اکبر (۱۳۹۲)، راهنمای پوشش خبری در رسانه‌ها، تهران: خبرگزاری فارس، چاپ اول.